

## مقایسه و ارزیابی نقش برمکیان و بنی موسی بن شاکر در تمدن اسلامی با مطالعه موردی نهضت ترجمه

پروین اصغری<sup>\*۱</sup>

### چکیده

تمدن اسلامی در عین حال که از بنیانی آسمانی - وحیانی برخوردار است؛ انتقال‌دهنده دست‌آورده‌ها و میراث تمدن‌های پیش از اسلام به نسل‌های بعد است. در جریان این نقل و انتقال، مللی چون ایرانیان، به ایفای نقش پرداخته‌اند، اما سهم آنان در قرن‌های دوم تا چهارم قمری، به درستی تبیین و عرضه نشده است؛ از این رو پژوهش حاضر در جهت تعیین سهم ایرانیان در پیشبرد تمدن اسلامی از منظر تبیین نقش دو خاندان ایرانی برمکی و بنوموسی در نهضت ترجمه است. ایرانیان با جلب حمایت خلفای عباسی و نیز در پرتو دانش دوستی خاندان‌های با نفوذ ایرانی، نقش ممتاز و پیش‌تازی در ترجمه آثار غیرعربی به زبان عربی ایفا کرده‌اند. در این نوشتار، سعی بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای منابع دست اول تاریخی، به مقایسه و ارزیابی نقش خاندان برمکی و بنوموسی در ظهور و رشد استعداد‌های بالقوه ایرانی در نهضت ترجمه پرداخته شود. نمی‌توان پنهان کرد، نهضت ترجمه، بیش از آن که مرهون پشتیبانی‌های دستگاه خلافت عباسی باشد، از سابقه، علاقه، بذل مال و وقت چنین خاندان‌هایی ناشی گردیده است.

**کلید واژه‌ها:** برمکیان، بنی موسی بن شاکر، خلافت عباسی، تمدن، نهضت ترجمه.

---

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان parvinasghari92@gmail.com

\* نویسنده مسئول: parvinasghari92@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های نهضت ترجمه، حضور خاندان‌ها در قالب مترجم یا حامی مترجمین می‌باشد. در این موارد امر ترجمه بمانند میراثی از پدر به پسر می‌رسید و اکثراً به صورت تخصصی، روی رشته‌ای خاص اهتمام می‌ورزیدند. در بین اقوام و ملل مختلف حضور خاندانی در عرصه ترجمه علوم، بیشتر در نزد ایرانیان مرسوم بود. البته در بین دیگر اقوام نیز چنین حضور و فعالیت‌هایی را سراغ داریم، اما بندرت و نه به مانند ایرانیان؛ به عنوان مثال تنها نمونه قابل ذکر خاندان ثابت حرانی می‌باشد، که در امر ترجمه و تألیف کتب فعالیت داشتند؛ ولیکن تنها ثابت بن قره به امر ترجمه اهتمام داشت و پسر و نوادگانش بیش از ترجمه، به تألیف اشتغال داشتند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۹۰-۴۸۹).

در حالی که خاندان‌های ایرانی در قالب حضور در صحنه‌های سیاسی و علمی، نقش قابل ملاحظه‌ای در ترجمه و حمایت از مترجمان داشته‌اند. در زمینه علمی می‌توان از خاندان‌هایی همچون آل بختیشوع و حنین در طب (ابن ابی اصیبه، ۱۳۴۹: ۳۱۸ و ۴۶۱)، آل نوبخت در نجوم (قفطی، ۱۳۷۱: ۴۰۹). و بنی موسی بن شاکر در ریاضیات و هندسه (اندلسی، ۱۳۷۶: ۲۲۵). یاد کرد؛ که هر کدام از آنان در رشته تخصصی خویش، علاوه بر ترجمه کتب پیشینیان و کمک به رشد و توسعه علوم و فنون، دست به ابداعات و نوآوری‌ها زده‌اند. حتی خاندان‌هایی همچون آل برمک، آل سهل و طاهری و رجالی مثل محمد بن عبدالملک الزیات که در عرصه سیاست قدرت و نفوذ یافته بودند، فقط به سیاست و حکومت صرف نمی‌پرداختند؛ بلکه در کنار رسیدگی به امور سیاسی از امور علمی و فرهنگی نیز غافل نبوده و با استفاده از قدرت و نفوذ به دست آورده، زمینه حضور فعال هم‌وطنان فرهیخته خویش را مهیا می‌ساختند. خاندان‌های دانش‌پرور ایرانی که در دستگاه خلافت عباسی، در عرصه‌های سیاسی و علمی نفوذی به دست آورده بودند؛ به تجدید و احیای عادات، آیین‌ها و انتشار مبادی تربیت و تهذیب و تأدیب ایرانی روی آوردند (امین، ۱۳۵۸، ج ۲: ۶۸). این خاندان‌های فرهیخته با حمایت و تشویق مترجمان ایرانی و غیر ایرانی و مهیا ساختن زمینه و شرایط مناسب برای ترجمه هر چه بیشتر علوم ملل دیگر، نقش مؤثری در پیشبرد نهضت ترجمه ایفا نمودند. همچنین در زمینه زنده نگه داشتن زبان فارسی تلاش نمودند؛ به نحوی که می‌توان پدیدار شدن آثار فارسی در قرون سوم و چهارم هجری نظیر شاهنامه فردوسی را مدیون مساعی همین خاندانها دانست. آنان علاوه بر اینکه خود در امر ترجمه از انجام هیچ کاری فروگذار نبودند؛ همواره می‌کوشیدند؛ توجه خلفای عباسی را به امر گردآوری و ترجمه کتب ملل مختلف معطوف نمایند.

در این پژوهش فرض بر آن نهاده شده که خاندان برمکی به عنوان نماینده طبقه وزاری ایرانی و بنی موسی بن شاکر نماینده خاندان‌های علمی ایرانی در عصر عباسی، هر کدام به فراخور شرایط و موقعیتی که در آن قرار داشته‌اند؛ به نوعی در حمایت و تشویق مترجمان در عصر ترجمه علوم نقش داشته و در پیشبرد نهضت ترجمه، سهیم بوده‌اند. همچنین در طول بحث سعی خواهد شد تا مسائلی نظیر اینکه؛ این دو خاندان از چه طریقی در پیشبرد نهضت ترجمه مؤثر بوده‌اند؟ و اینکه کدام یک از دو خاندان برمکی و بنی موسی نقش بیشتری در عرصه ترجمه علوم داشته‌اند؟ روشن گردد.

در مورد برمکیان سخن‌های بسیار در شرح احوال، فعالیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی و در نهایت، پایان کار اندوهناکشان رانده شده و کتبی چند تألیف گشته است. ولیکن در اینجا به این خاندان، از نقطه نظر خدمات علمی ایشان در راستای نهضت نقل و ترجمه علوم و در مقام مقایسه با یکی دیگر از خاندان‌های دانش‌پرور و فرهیخته‌ی ایرانی که منظور بنی موسی بن شاکر می‌باشد، پرداخته شده است. پیرامون فرزندان موسی بن شاکر خراسانی و خدمات ایشان به تمدن اسلامی، در کتب رجال و تراجم بحث شده است. الفهرست ابن ندیم، تاریخ الحکماء قفطی و زهه الارواح شهرزوری از جمله منابع مهم و معتبر تاریخی می‌باشند که می‌توان در باب خدمات علمی خاندان‌ها و رجال ایرانی نظیر برمکیان و بنی موسی از آن‌ها کسب اطلاع نمود.

## ۱- شرح حال خاندان‌ها

### ۱-۱- شرح حال مختصری از خاندان برمکی

اجداد برمکیان با نام عمومی برمک- مأخوذ از یک ریشه سانسکریت به معنی مهتر و رئیس - متولی معبد نوبهار بلخ بودند (زرین کوب، ۱۳۶۷: ۷۸). برمک در روزگار اموی به دین اسلام درآمد. این عمل وی، سبب انتشار اسلام در بلخ گردید. از طرفی به دلیل این خدمت برمک به اسلام و از سوی دیگر به واسطه ثروت و شهرت و آگاهی وی از علم طب بود؛ که وی و فرزندانش نزد خلفا صاحب جاه و مقام شدند (فرای، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۴۲). خالد بن برمک، که مردی فاضل و حکیم بود؛ در آغاز کار عباسیان به وزارت سفاح و منصور منصوب شد (ابراهیم حسن، ۱۳۳۷، ج ۲: ۶۸). خالد برای منصور حکم مشاور و رایزن را داشت. هنگام بنای شهر بغداد، منصور تصمیم داشت، تا با خراب کردن ایوان کسری، از آن به‌عنوان مصالح در بنای شهر جدید استفاده کند؛ ولیکن خالد با درایت و کاردانی وی را از این کار بازداشت (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۲۱۱). خالد علاوه بر مسند وزارت، مدتی حاکم فارس و طبرستان و موصل بود و در دوران حکومت خود، به مردم این مناطق خدمات بسیاری نمود (زرین کوب، ۱۳۶۷: ۷۹). او با لیاقت و کفایت خود بنیاد این خاندان را در دستگاه خلافت عباسی و در منصب وزارت مستحکم ساخت. فرزند خالد با نام یحیی برمکی، در دوران خلافت مهدی و هادی، مقام اتابکی هارون را داشت و در خلافت رسیدن وی، نقش مهمی ایفا نمود. هارون نیز به پاس دورانی که یحیی مربی و استادش بود؛ او را همانند پدر می‌دانست و در هفده سال نخست خلافت خویش، مقام وزارت را با اختیارات تام به یحیی واگذار نمود. بدین ترتیب دوره‌ای در عصر عباسی آغاز گردید؛ که در تاریخ اسلام به دوران فرمانروایی برمکیان معروف شده است (لمیتون و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۷۲). یحیی صاحب چهار فرزند بود؛ که هر یک صاحب فضایل و سجایای نیکویی بودند؛ فضل که به جود و بخشش موصوف بود. جعفر صاحب کتابت و فصاحت بود. محمد دارای علو همت و موسی به شجاعت شهره بود (خواند میر، ۱۳۳۵: ۴۳۷-۴۱۹). فضل و جعفر علاوه باینکه مأمور تعلیم و تربیت امیران وارث حکومت عباسی، یعنی امین و مأمون فرزندان هارون الرشید شدند (هونکه، ۱۷۳). در امر وزارت و دیوان جُند و خراج نیز فعالیت داشتند (هونکه، ۱۳۶۲: ۷۹).

آل برمک فوق‌العاده محکم و زوال‌ناپذیر به نظر می‌رسید؛ اما به یک‌باره سقوطی سریع داشت. به نحوی که عامل این زوال به صورت معمایی برای تاریخ درآمده است. اما به طور کلی و براساس آنچه در منابع آمده؛ می‌توان سبب برافتادن آنان را نتیجه‌ی معارضاتی طولانی دانست؛ که هم‌رنگ سیاسی و هم‌رنگ دینی داشته است. برمکیان در صدد بودند اوضاع و احوال ایرانیان هم وطن خویش را بهبود بخشند؛ تا نقش پررنگ تری در جریان‌ات روزگار داشته باشند. البته سقوط آنان چیزی از حضور ایرانیان کم نکرد؛ چنانچه در نزاع امین و مأمون شاهد پیروزی و برتری ایرانیان بر اعراب هستیم و سپس وزیری ایرانی چون فضل بن سهل، که دست پرورده‌ی برمکیان بود؛ افسار امور ممالک اسلامی را به دست گرفت. از آن زمان نیز زمینه‌ی استقلال نواحی از ایران، به دست سردارانی ایرانی همچون طاهر ذوالیمین مهیا گردید.

### ۱-۲- شرح حال مختصری از بنی موسی بن شاکر

بنی موسی عنوانی است، که بر پسران موسی بن شاکر یعنی محمد، احمد و حسن اطلاق می‌گردد. در منابع گاهی از آنان با عنوان بنی موسی بن شاکر خراسانی و بنی منجم یاد می‌کنند (آرنولد، ۱۳۲۵: ۳۲۲). موسی منجم و از معاریف دربار خلافت عباسی بشمار می‌رفت. وی در هندسه نیز دستی داشت. سابقه‌ی دوستی او با مأمون به زمانی بازمی‌گردد؛ که مأمون به‌عنوان ولیعهد در مرو روزگار می‌گذراند. پس از آنکه مأمون در رأس قدرت قرار گرفت؛ موسی هم در زمره ملازمان و منجمان دربار وی درآمد (گوتاس، ۱۳۸۱: ۱۸۷). هنگامی که مأمون درگیر جنگ در آسیای صغیر بود؛ موسی درگذشت و بنا به وصیت وی، سرپرستی پسران کوچکش، به مأمون سپرده شد. مأمون نیز آنان را

به اسحاق به ابراهیم مُصعبی سپرد. او هم سرپرستی ایشان را در بیت الحکمه به یحیی بن ابی منصور، از منجمان و عالمان ایرانی واگذار نمود. به این ترتیب فرزندان موسی در سایه حامی قدرتمند خود و در محیط علمی بیت الحکمه، در ارتباط با علما و دانشمندان رشد و نمو یافتند و تحصیلات عالی خویش را به پایان رسانیده، هر کدام در رشته‌ای متخصص و نامبردار زمانه ی خویش شدند (زیدان، ۱۳۳۶، ج ۳: ۲۲۷).

برادر مهتر، یعنی محمد بن موسی (متوفی، ۲۵۹ ق / ۸۷۳ م) در علمی چون هندسه و نجوم مهارت یافت. در عین حال از رجال سیاسی دربار عباسی نیز به شمار می‌آمد (طبری، ۱۳۷۵، ج ۱۴: ۶۱۵۹). وی در آغاز امر نزد یحیی، مدارج علمی را طی نمود و در رصدخانه بغداد دستیار او بود. وی هنگام اندازه‌گیری محیط کره زمین که به فرمان مأمون و توسط دانشمندان اسلامی صورت گرفت، حضور داشت. حاصل محاسبات نجومی این دانشمندان نه تنها نتایج کار بطلیموس، بلکه نتایج محاسبات دانشمندان آن زمان را نیز تحت شعاع قرار داد (هونکه، ۱۳۶۲: ۶۳۰). احمد پسر دوم موسی، درباره مکانیک تحقیق می‌کرد. او عاشق تکنیک و از صنعت‌کاران نابغه بود (سارتن، ۱۳۶۰، ج ۱: ۶۳۰). اما سومین برادر یعنی حسن، در علم هندسه منحصر به فرد بود. با اینکه از کتب هندسه، فقط شش مقاله اول اقلیدس در اصول هندسه را (نیمی از آن کتاب) خوانده بود. ولیکن ذوق و استعداد عجیبی در این زمینه داشت. چنانکه بسیاری از مسائل را که قدما متوجه نشده بودند، کشف کرد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۸۸). پسران موسی پس از مدتی از یحیی جدا شده و رصدخانه بغداد را ترک گفتند و فعالیت علمی خود را به صورت مستقل دنبال نمودند. آنان در منزل خویش واقع در باب الطاق بغداد، رصدخانه‌ای بنا نموده و در آنجا پیوسته به رصد و مطالعه و بررسی روی ستارگان پرداختند (میه لی، ۱۳۷۱: ۱۶۵). از نوادگان موسی بن شاکر، تنها ابراهیم بن محمد بود که راه پدران خود را ادامه داد و از مشوقان مترجمان محسوب می‌گردد. حنین بن اسحاق نیز یکی از کتب جالینوس را برای وی ترجمه نمود (ابن ابی اصیبعه، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۹۱). برعکس ابراهیم، مطهر بن احمد از علم و ادب بهره‌ای نداشت و از ندمای معتضد بشمار می‌آمد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۸۸).

## ۲- خدمات آل برمک و بنی موسی بن شاکر در عرصه ترجمه علوم

### ۱-۲- خدمات علمی خاندان برمکی در امر ترجمه علوم

خاندان برمکه از جمله ایرانیان فرهیخته‌ای بودند؛ که دریافتند برپایی یک حکومت اسلامی به سبک و سیاق ایرانی، نیازمند نفوذ در ارکان مهم سیاسی اجتماعی جامعه، در راستای ایرانی تر ساختن حکومت سرزمین‌های اسلامی است. لذا در مهم‌ترین صحنه سیاسی، یعنی در منصب وزارت و صدرات که بعد از خلیفه قرار داشت، حضور یافته و کوشیدند تا به این مقصود خود جامه عمل بپوشانند.

ایرانیان برای احراز مقام وزارت سزاوارترین گروه بودند. اگر به شرایطی که یک وزیر می‌بایست داشته باشد، توجه کنیم؛ درمی‌یابیم که در این گفته اغراق نشده است. برای منصب وزارت داشتن کفایت، لیاقت، علم و بلاغت شرط بود؛ شرایطی که ایرانیان دارا بودند. برای همین گفته می‌شود که اغلب وزارت در انحصار ایرانیان بوده است. ناگفته نماند که اعراب دارای فصاحت لسان بودند؛ ولیکن چندان بلاغتی در انشاء و ترسل نداشته یا در این زمینه با ایرانیان برابری نمی‌کردند (امین، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۱۶). همین مزیتی برای ایرانیان در برتری بر عرب بود. این وزرای ایرانی در کنار نقش مدیریتی امور سیاسی، با حمایت دانشمندان، ادبا و مترجمان تأثیر مهمی در توسعه تمدن اسلامی داشتند و با فعالیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی، دوره اول عباسی را مبدل به عصر زرین فرهنگ اسلامی ساختند.

هر آنچه در باب شرایط، اقدامات و تأثیرات وزرا گفته شد؛ در باب خاندان ایرانی تبار برمکه صدق می‌کند. این خاندان از فرهنگ و تمدن قدیم ایران برخوردار بوده و از ارکان مهم نهضت ترجمه به شمار می‌رفتند. آنان با تفوق بی‌چون و چرای خود در مقامات بالای سیاسی، در طی نیم قرن، حاملان مهم آداب و رسوم ایران عهد ساسانی و در کنار

بطور برجسته از حامیان نهضت ترجمه و آثار مرتبط با علمی چون اخترشناسی و کشاورزی به شمار می‌رفتند (گوتاس، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

در بین آل برمک هیچ‌یک در نویسندگی، بلاغت، ادب، کمال، رأی و کرم و وقار به پای یحیی برمکی نمی‌رسید و به حق جامه وزارت بر قامت وی برانزده بود. یحیی علاوه بر تدبیر امور سیاسی، نقش مهمی در عرصه علمی و فرهنگی جامعه داشت. او سخت طرفدار نهضت علمی ترجمه بود و در این راه علمای نسطوری جندی شاپوری، وی را مدد می‌رساندند. هارون الرشید در ایران و تحت تأثیر ایرانیان و به دست شخص یحیی برمکی تربیت یافته بود. بنابراین طبیعی بود که در دوران خلافت، عرصه را برای حضور ایرانیان باز گذاشته و به آنان مهر بورزد. همان‌گونه که پسرش مأمون نیز تربیت شده به دست ایرانیان بود و همواره بر آنان اتکا داشت. نتیجه آن بود که هارون تحت تأثیر وزیر خود، یحیی برمکی به آثار یونانی و ترجمه آن‌ها بها می‌داد (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۳۶-۲۳۷). علاقه یحیی برمکی به علوم یونانی، سهم به‌سزایی در ترجمه آثار این زبان به عربی داشت. این حس یونانی دوستی سبقه دیرینه داشته و به زمان خسرو انوشروان می‌رسد. دانش یونانی در زمان این پادشاه ساسانی، نزد ایرانیان حرمت و رونق بسیاری داشت؛ به‌ویژه در جندی شاپور و مرو به پشرفت‌های بزرگی نائل آمد (فخری، ۱۳۷۲: ۲۶). برمکیان نیز که بعد از ترک بلخ، در مرو سکنی گزیده بودند؛ در این شهر از تأثیرات علوم یونانی برکنار نماندند. در زمینه آثار یونانی، یحیی برمکی نخستین فردی بود؛ که به فکر ترجمه کتاب المجسطی بطليموس افتاد. وی گروهی را بدین منظور مأمور ساخت؛ ولیکن ترجمه آنان مورد پسند یحیی واقع نشد. یحیی برای بار دوم ترجمه این کتاب را بر عهده ابوحسان و سلم، رئیس بیت الحکمه نهاد. ایشان از عهده این کار به خوبی برآمده و ترجمه‌ای ارائه دادند؛ که مورد پسند یحیی قرار گرفت. المجسطی نخستین کتابی است؛ که در همه شاخه‌های علم الفلك قدیم در سیزده مقاله تدوین شده بود (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۳۷). ترجمه این کتاب بارها از سوی مترجمان تکرار شد و شروح و تفاسیر بسیاری بر آن نگاشتند (فروخ، ۱۹۸۴: ۱۲۷). ترجمه‌ای که از کتاب المجسطی به اشاره یحیی برمکی انجام گرفت؛ به ترجمه قدیم معروف شده است. همین ترجمه هنگام تألیف زیج معروف جابر بن سنان البتانی، مورد استفاده این منجم قرار گرفت. آلفونسو نلینو احتمال داده این ترجمه از روی نسخه سریانی کتاب بطليموس صورت گرفته، نه اصل یونانی آن؛ و استدلال او در این باب، طرز عربی کردن اصطلاحات یونانی کتاب است؛ که نشان می‌دهد از روی یک نسخه سریانی اخذ شده است (نلینو، ۱۳۴۹: ۲۷۴).

ترجمه آثار هندی و هندشناسی هم از زمینه‌های مورد علاقه افراد این خاندان بود. دانشمندان این سرزمین مورد حمایت و پشتیبانی آنان قرار داشتند. همچنین برمکیان را مسئول آمدن سفیر هند به دربار منصور، در سال ۱۵۴ یا ۱۵۶ هجری (۷۷۱ یا ۷۷۳ م) دانسته‌اند. که این برقراری ارتباط، انتقال و ترجمه کتاب سندهند را در باب علم نجوم به همراه داشت (گوتاس، ۱۳۸۱: ۱۸۰). یحیی و فرزندانش وقتی بیمارستان خود را در بغداد تأسیس کردند؛ پزشکی هندی بنام ابن دهن را به ریاست آن برگزیدند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۴۶). کسانی چون منکه، سندهاد، بازیکر و قلیبرقل همه از پزشکانی بودند؛ که به دعوت برمکیان از هند به عراق آمدند (ضیف، ۱۹۶۶: ۳۲۷). منکه به اشاره یحیی برمکی، به منظور معالجه بیماری هارون به بغداد آمده بود. وی پس از درمان هارون، نزد خلیفه محترم گشته، مقرری شایسته‌ای برایش تعیین گردید. وی به زبان عربی و فارسی آشنایی داشت و کتبی چند از فارسی و هندی به عربی ترجمه نمود. نظیر کتاب سموم نوشته شاناق هندی، وزیر چندراگوپتا که منکه از هندی به فارسی ترجمه نمود و ابوحاتم بلخی به اشاره یحیی آن را از فارسی به عربی برگرداند. منکه علاوه بر ترجمه به تألیف در باب طب و هیئت نیز اشتغال داشت (میه لی، ۱۳۷۱: ۱۶۲). از دیگر پزشکان هندی که تحت حمایت برمکیان بود، صالح بن بهله بود. وی شهرت بسیاری به دست آورد؛ چراکه طب هندی از طریق او در بغداد شناخته شد (سیوطی، ۱۴۲۴: ۳۶۶). همچنین نخستین بار در زمان یحیی و به اشاره وی، گیاهان دارویی هند را به بغداد آوردند. این عمل وی بعدها از سوی

پزشکان و داروسازان مسلمان مورد تبعیت قرار گرفت (زیدان، ۱۳۳۶، ج ۳: ۲۴۰). از دیگر اقدامات یحیی در زمینه انتقال اطلاعات سرزمین و مردمان هند به مسلمین، اعزام سفیرانی همچون ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، فیلسوف و مترجم معروف عربی، به دیار هند بود. اطلاعات جمع‌آوری شده از سوی کندی، بعدها مورد استفاده ابن ندیم در نگارش قسمت مربوط به فرق هند در کتاب الفهرست قرار گرفت (تاراچند، ۱۳۷۴: ۱۰۴).

یحیی برمکی دست پروردگانی در نزد خویش داشت؛ که آنان را برای امور اداری و دیوانی و مهم‌تر از همه ترجمه علوم تربیت می‌نمود. یکی از این دست پرورده‌ها، فضل بن سهل از بقایای وزیران ملوک عجم؛ مردی فاضل و حکیم و عالم به علم هندسه و نجوم بود (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۶۶). پدرش سهل مجوسی نیز در زمان هارون به نجوم اشتغال داشت. فضل ابتدا در خدمت یحیی برمکی متصدی دخل و خرج و پیشکاری وی بود (ابن طقطقی، ۱۳۵۰: ۳۰۶). فضل برای یحیی برمکی کتابی از فارسی به عربی ترجمه نمود؛ که عبارات رسا و روان و خوش فهمی ترجمه‌اش، موجب خرسندی یحیی گردید. از آنجائیکه فضل عالم نجوم بوده، احتمالاً کتاب ترجمه شده از سوی وی، در زمینه نجوم بوده است (امین، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۴۵). تدبیر و درایت فضل در برگرداندن اکثر آثار ادبی پهلوی موجود در آن زمان به عربی، موجب گردید تا گوی سبقت را از سایر مترجمین زمانه خود برآید. ولیکن هیچ یک از ترجمه‌های او بر جای نمانده است (فرای، ۱۳۸۰، ج ۴: ۴۱۳).

یحیی برمکی در نجوم نیز دستی توانا داشت. همه‌ساله منجمان به خدمت او می‌رسیدند تا احکام آن سال را استخراج نمایند. برخی از اعضای خاندان دانش دوست و عالم پرور بختیشوع و ابوحنیفه عمر بن فرخان الطبری از جمله منجمانی بودند؛ که در سایه حمایت و تشویق یحیی به کار ترجمه‌اشغال داشتند (سجادی، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۱۵). در زمینه فلسفه و کلام یحیی علاوه بر اینکه برای بحث و بررسی و مناظره در مباحث کلامی و عقلی، مجالس متعددی برپا می‌نمود؛ از حمایت مترجمان در راستای ترجمه آثار فلسفی فروگذار نبود. چنانچه مترجمی به نام سلام بن ابرش به تشویق یحیی، ترجمه کتاب سماع طبیعی ارسطو را انجام داد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۴۵).

دو تن از پسران یحیی، یعنی جعفر و فضل اقدامات مهم فرهنگی زیادی انجام دادند. به‌عنوان نمونه نخستین کارگاه کاغذسازی در بغداد به دستور فضل بن یحیی برمکی، که به سال ۱۷۸ هجری (۷۹۴ م) والی خراسان بود، ایجاد شد (هونکه، ۱۳۶۲: ۷۹-۸۰). متعاقباً برادرش جعفر برمکی، وزیر هارون فرمان داد تا دبیرخانه‌های دولتی به جای بردی، کاغذ به کار برند (۱۳/ ۱۳۶۶: ۵۳۱). همو در آوردن پزشکان و مدرسان نسطوری جندی شاپور به دربار بغداد نقش مهمی ایفا نمود. جعفر بسیار می‌کوشید؛ علوم یونانی را مورد توجه خلیفه و ایرانیان قرار دهد. این حس یونانی دوستی را در مرو به دست آورده بود و در کوشش‌هایی که برای ترویج علم یونانی می‌کرد؛ جبرائیل بن بختیشوع و جانشینان وی از جندی شاپور یار و مددکار وی بودند. ترجمه کتاب‌های اصول اقلیدس و المجسطی بطليموس را به اشاره جعفر برمکی دانسته‌اند (اولیری، ۱۳۷۴: ۱۱۳ و ۲۳۹). گویا وی علت عدم درک و فهم کامل و صحیح ترجمه کتاب سندهند را از سوی مسلمین؛ پایین بودن سطح آگاهی آنان از اطلاعات مقدماتی ریاضی نجوم دانسته، برای همین درصدد ترجمه کتاب اصول هندسه اقلیدس و کتاب مگاله سونتاکیسیس تألیف بطليموس برآمد. اعراب بر عنوان این کتاب الف و لام تعریف عربی را افزودند و مگاله به المجسطی تبدیل شد. المجسطی به معنای کتاب بزرگ بود (همان: ۲۴۴-۲۴۵).

در امر ترجمه علوم و خدمت‌رسانی به تمدن اسلامی، افراد این خاندان از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزیدند. جعفر مانند پدر مترجمینی به استخدام درآورد تا کتب ملل مختلف را به زبان عربی ترجمه کنند. از جمله این افراد، عبدالله بن هلال اهوازی از دانشمندان اهواز بود؛ که به خدمت برمکیان درآمد و به دستور جعفر برمکی کتاب کلیله و دمنه را از زبان پهلوی به عربی ترجمه نمود (سامی، ۱۳۶۵: ۲۱۷). با توجه به اینکه کتاب کلیله و دمنه قبلاً توسط ابن مقفع ترجمه شده بود؛ احتمالاً هدف جعفر از تجدید ترجمه آن، اشاعه آثار و نوشته‌های باستانی ایران بوده است. جعفر

برمکی کتب و رسائلی که به اشاره ی وی تدوین یا ترجمه می‌شد؛ به بهایی گزاف می‌خرید و غالباً به مترجم در برابر وزن هر نسخه طلا می‌داد (ابن خلکان، ۱۳۴۷، ج ۱: ۲۰۱). غیر از این شخصیت‌های معروف خاندان برامکه، افرادی دیگر از ایشان نیز در امر ترجمه تأثیر به‌سزایی داشتند؛ نظیر محمد بن خالد بن یحیی برمکی که به دستور وی کتاب زیج بطلمیوس توسط دو مترجم، ایوب و سمعان به عربی ترجمه شد (همایی، ۱۳۶۳: ۹۶). این ترجمه‌ها که به حمایت برامکه صورت می‌گرفت؛ مربوط به دوران هارون الرشید و قبل از مأمون و ارسال فرستادگان به روم جهت جمع‌آوری کتب برای ترجمه است. به عبارت بهتر مربوط به زمان قبل از اوج‌گیری نهضت ترجمه از سوی مأمون بوده است. از این گفته‌ها به خوبی مشخص می‌گردد؛ خاندان برامکه که عهده‌دار امور وزارتی و حکومتی بودند، به موضوع ترجمه علاقه‌مند بوده و مترجمان را به ترجمه کتاب‌ها تشویق و ترغیب می‌نمودند.

در کنار نهضت ترجمه، نخستین تألیفات نیز در همین دوره برامکه آغاز گردید. کسانی چون علان شعوبی، کتاب الميدان فی المثالب و ابومحمد یحیی بن مبارک، کتاب النوادر را برای برمکیان تألیف نمودند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۸۸ و ۱۹۷). از یک سو با تلاش‌های پیگیر برمکیان به‌ویژه یحیی در گردآوری کتب ملل مختلف و ترجمه آن‌ها و تألیف کتاب‌هایی که به اشاره افراد این خاندان و یا برای ایشان صورت می‌گرفت؛ و از سوی دیگر با تشویق و تحریک هارون به انتقال کتب علمی سرزمین‌های دیگر به مرکز خلافت عباسی، انبوهی از کتب در رشته‌هایی چون نجوم و طب و فلسفه در بغداد فراهم آمد. که نوبه خود نیاز به مکانی مناسب برای حفظ و نگهداری آن‌ها احساس شد. از این رو بیت الحکمه بغداد بنیان نهاده شد (کرامتی، ۱۳۸۴: ۴۱۸). پس چندان دور از واقع نیست؛ اگر گفته شود هسته اولیه بیت الحکمه را خاندان برمکی بنیاد نهاده‌اند.

برمکیان تنها مشوق و حامی مترجمان و دانشمندان نبودند؛ بلکه به ادبا و شعراء نیز بها می‌دادند. ادبا و شعراء همچنان که در دربار هارون حاضر می‌شدند، در بارگاه برامکه نیز رفت‌وآمد داشتند و حتی گاه کار به رقابت می‌کشید (حلبی، ۱۳۶۵: ۵۵). برمکیان به شعرا پاداش بسیاری می‌دادند؛ به‌عنوان مثال آبان بن عبدالحمید بن لاحق که به سفارش جعفر برمکی ترجمه عربی کلیله و دمنه را به نظم درآورد و از جعفر صد هزار درهم و یحیی برمکی سیصد هزار دینار و فضل بن یحیی پنج هزار دینار جایزه دریافت نمود (شهرزوری، ۱۳۶۵: ۳۷۰). این صله و پاداش‌ها، بیانگر اهمیت این کتاب در نزد خاندان دانش‌پرور برمکی می‌باشد.

یکی از خاندان‌های ایرانی تبار که خود را همواره وامدار یحیی و فرزندانش می‌دانستند؛ آل بختیشوع می‌باشد. آل بختیشوع که اغلب پزشکان حادث و ماهری بودند؛ خدمات ارزنده‌ای به علم پزشکی و نهضت ترجمه ارائه نمودند. بختیشوع پزشک برجسته جندی شاپوری به اشاره یحیی برمکی به بغداد فراخوانده شد، تا هارون را معالجه نماید. بختیشوع از این طریق به دربار عباسیان راه یافت و با معالجه خلیفه، مهارت خود را در طبابت به همه ثابت کرد. وی بعدها بنا به خواست جعفر، که از وی پزشک حادثی را طلب نموده بود، پسرش جبرائیل را معرفی نمود. جبرائیل پزشک مخصوص جعفر برمکی و خلیفه گردید و از خاندان برمکی احسان بسیار دید. چنانچه بارها به مأمون می‌گفت: «این رفاه و نعمت نه از تو و نه از پدرت به من رسیده است، بلکه آن را از یحیی بن خالد برمکی و فرزندانش دارم.» (جهشیاری، ۱۳۵۷ ق: ۲۸۹).

## ۲-۲- خدمات علمی بنی موسی بن شاکر در امر ترجمه علوم

بنی موسی بن شاکر هم به لحاظ سهمی که در نهضت ترجمه از یونانی به عربی و بنیان‌گذاری علوم ریاضی دوران اسلامی داشته‌اند و هم به جهت نقشی که در حیات سیاسی نیمه اول قرن سوم هجری ایفا کرده‌اند؛ همواره مورد توجه و اهمیت بوده‌اند. آنان جملگی از پیشگامان علم هندسه، هیئت و نجوم در تمدن اسلام بودند (آرنولد، ۱۳۲۵: ۳۲۲). آنان از جمله ایرانیانی بودند؛ که در جمع‌آوری و ترجمه علوم ملل قدیم، تلاش بسیار نمودند. و با گشاده دستی

وسایل تهیه و ترجمه آثار علمی و فلسفی را فراهم می‌آوردند (فخری، ۱۳۷۲: ۲۶). آنان حنین بن اسحاق و چندتن از مترجمان را به شهرهای یونانی زبان فرستادند؛ تا دستنوشته‌های ارزشمند آن بلاد را برای ترجمه، جمع‌آوری کنند. ایشان به همراه خود کتب متعددی در باب فلسفه، هندسه، موسیقی، حساب و پزشکی به سرزمین اسلامی آوردند (خلیلیان، ۱۳۵۹: ۴۳). در باب مبالغی هنگفتی که بنی موسی در راه ترجمه کتب صرف می‌نمودند؛ گفته‌ی ابوسلیمان منطقی کفایت می‌کند. وی نقل می‌کند: بنی موسی هر ماه حدود پانصد دینار به گروهی از مترجمان، از جمله حنین بن اسحاق و حُبیش بن حسن و ثابت بن قره دستمزد می‌دادند (فروخ، ۱۹۸۴: ۲۲۷). این غیر از مبالغی است که صرف هزینه‌ی سفرها برای جمع‌آوری کتب می‌شد.

در بین مترجمانی که در استخدام بنی موسی بودند؛ حنین بن اسحاق بیش از سایرین، برای این برادران کتاب ترجمه نمود (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۵۲۵). وی از سال ۲۳۲ تا حدود ۲۴۲ هجری (۸۴۶ تا ۸۵۶ م) به تناوب در خدمت بنی موسی بود. با این حال، این رابطه همیشه بر یک منوال نبوده، و احياناً گاهی میان ایشان اختلافاتی بروز می‌کرده است؛ زیرا در نوشته‌ای از حنین چنین آمده که «اکنون به بیان آخرین چاهی می‌پردازم که برای من کردند؛ و این غیر از آن چیزهایی است، که در گذشته میان من و بنی موسی و جالینوسیان و بقراطیان در ماجرای نخستین بهتانی که به من زدند، واقع شد» (ابن ابی اصیبعه، ۱۳۴۹، ج ۱: ۴۷۶).

ثابت بن قره حرانی مترجم دیگری بود، که در خدمت بنی موسی به کار ترجمه اشتغال داشت. ثابت ابتدا در حران صرافی می‌نمود. تا اینکه محمد بن موسی بن شاکر که از سفر خود از آسیای صغیر و روم، به منظور تهیه نوشته‌های قدیمی بازمی‌گشت. در حران با ثابت مواجه شد. محمد او را سریع در محاسبه و مسلط بر زبان‌های مختلف یافت. این جوان همان کسی بود؛ که او نیاز داشت. برای همین ثابت را با خود به بغداد آورد. ثابت در خانه محمد بن موسی به تحصیل علم مشغول گشت و در پزشکی و نجوم و فلسفه مهارت پیدا کرد. چندی نگذشت که محمد او را به معتضد (۲۸۹-۲۷۹ ق / ۹۰۲-۸۹۲ م) معرفی نمود. خلیفه با دیدن مهارت‌ها و قابلیت‌های ثابت، او را بر سایر دانشمندان دربار برتری داد. ثابت علاوه بر اینکه دانشمند قابلی بود؛ دست به ترجمه کتب زد. وی برای فرزندان موسی، تعداد زیادی آثار آپولونیوس، ارشمیدس، اقلیدس، تئودوزیوس، ارسطو، افلاطون، بقراط و بطليموس در زمینه‌های نجوم و طب و ریاضی ترجمه کرد. او علاوه بر ترجمه؛ در علم طب، نجوم، منطق و ریاضی حدود صد و پنجاه اثر به زبان عربی و ده اثر به زبان سریانی نوشته است. ثابت با جمع‌آوری و ترجمه آثار یونانی، علم و دانش یونانی را از فراموشی‌رهایی بخشید (هونکه، ۱۳۶۲: ۱۵۸).

از بین صد و بیست و نه کتاب و رساله‌ای که از آثار جالینوس ترجمه گردیده، شصت و دو اثر توسط حنین یا سایر مترجمین، برای محمد بن موسی و احمد بن موسی و در یک مورد برای ابراهیم بن محمد بن موسی ترجمه شده است. بدین ترتیب که حنین نوزده کتاب برای محمد و چهار کتاب برای احمد و یک کتاب برای ابراهیم ترجمه نمود. حُبیش بن حسن، خواهرزاده حنین نیز نوزده کتاب برای محمد و ده کتاب برای احمد ترجمه نمود. استفان بن بسیل سه کتاب برای محمد و عیسی بن یحیی چهار کتاب برای احمد، ابراهیم بن صلت و هلال بن ابی هلال، هر کدام یک کتاب برای احمد ترجمه نمودند و سرانجام ثابت بن قره، که برای محمد و احمد، دو کتاب ترجمه نمود (زیدان، ۱۳۳۶، ج ۳: ۲۳۴-۲۲۹ و سجادی، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۶۹۰).

فرزندان موسی بن شاکر علاوه بر اینکه به سبب تمکن مالی، می‌توانستند مترجمان را مورد حمایت قرار دهند. به واسطه‌ی احاطه‌ای که خود بر علوم داشتند، قادر بودند آنان را در کار ویرایش و اصلاح ترجمه‌ها یاری دهند. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های ریاضی که زیر نظر بنی موسی به عربی ترجمه شده و ایشان خود آن را تحریر و ویرایش نمودند؛ کتاب مخروطات آپولونیوس است. از این کتاب که در هشت مقاله بوده، هفت مقاله آن باقی مانده است. هلال بن ابی هلال حمصی چهار مقاله اول و ثابت بن قره سه مقاله دیگر آن را زیر نظر احمد بن موسی ترجمه نمودند. احمد بن



موسی برای کتاب مقدمه‌ای نگاشته؛ که در آن نخست از جایگاه کتاب مخروطات در علم ریاضی، دشواری استنساخ آن و علل راه یافتن خطا در کتاب‌ها، سپس از کوشش اوطوقیوس عسقلانی در تصحیح و توضیح این کتاب و روش او در این کار یاد می‌کند و سرانجام از متروک ماندن آموزش این کتاب به خاطر پایین بودن سطح دانش ریاضی مردمان زمانه‌اش، ابراز نگرانی می‌کند. آنگاه به چگونگی ترجمه کتاب و مشکلات آن می‌پردازد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۸۱-۴۸۰). بنی موسی گذشته از حمایت مترجمان و ویرایش ترجمه‌های ایشان، خود نیز در چندین زمینه علمی دست داشتند، اما به دلیل اختلاط آثار این سه برادر، به دشواری می‌توان دریافت هر کدام در کدام زمینه از علوم مهارت بیشتری داشتند (میه لی، ۱۳۷۱: ۱۶۵). از مجموعه آثاری که ابن ندیم به بنوموسی نسبت داده، چنین برمی‌آید که محمد علاوه بر علوم ریاضی، در حکمت طبیعی و جهان‌شناسی نیز دستی داشته است. آثار و تألیفات بنی موسی به شرح ذیل می‌باشد:

محمد بن موسی: حرکه الفلک الاولی، ثلث، الشكل الهندسی الذی بین جالینوس امره، الجزء، فی ازلیه العالم و کتاب علی مائیه الکلام. رساله الجزء و رساله فی ازلیه العالم گواه از وسعت دامنه علایق فکری آنهاست (فخری، ۱۳۷۲: ۲۶). احمد بن موسی: الحیل، کتاب بین فیه به طریق تعلیمی و مذهب هندسی انه لیس فی خارج کره الکواکب الثابته کره تاسعه، المسأله التي القاها علی سندبن علی و کتاب مسائل جرت بین سند و بین احمد. حسن بن موسی: الشكل المدور المستطیل.

ابن ندیم این آثار را نیز بدون تصریح به نام یکی از سه برادر، به ایشان نسبت می‌دهد: بنوموسی فی الفرستون، المخروطات، مساحه الاکر و قسمه الزوایا بثلاله اقسام متساویه و وضع مقدار بین مقدارین لتتوالی علی قسمه واحده (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۸۹). از این آثار تنها کتاب الحیل، مخروطات و مساحه الاکر و قسمه الزوایا بثلاله اقسام متساویه به دست ما رسیده است (سجادی، ۱۳۸۳: ۶۹۲).

سه برادر بطور مشترک تحقیقاتی درباره ارشمیدس و آپولونیوس انجام دادند. ایشان می‌کوشیدند تا اندازه عدد  $\pi$  یونانی را دقیقتر از آنچه پیشینیان بدان رسیده بودند، به دست آورند و به راه حل جدید مسأله تقسیم زاویه به سه بخش مساوی برسند. این برادران خطاهای آپولونیوس را در کتاب مخروطات براساس نظریه خود تصحیح کردند. دانشمندان اسلامی در قرن پنجم هجری عدد  $\pi$  را عدد اصم نامیدند (سزگین، ۱۳۷۱: ۳۳).

### نتیجه

خصلت دانش‌پروری که از خصائص ذاتی ایرانیان است؛ در عصر خلفای عباسی در برخی از خانواده‌های اصیل ایرانی به شکل موروثی تجلی نمود. دو خاندان مشهور برمکی و بنی موسی بن شاکر در زمره همین خانواده‌های اصیل و دانش‌پرور ایرانی بودند؛ این خاندان‌های فرهیخته و دانش‌پرور، در راستای پیشبرد نهضت ترجمه بطور اخص و توسعه تمدن اسلامی بطور اعم از هیچ کوششی فروگذار نماندند. آنان علاوه باینکه خود حامی و مشوق مترجمان بودند و در این راه از مال و مقام خود مایه می‌گذاشتند؛ خلفای عباسی را نیز به حمایت از امر ترجمه علوم راغب می‌ساختند. بدین ترتیب خدمات ارزنده‌ای به رشد و ترقی تمدن اسلامی ارائه نمودند. به نحوی که در مقام علم و دانش از نوادر ایام و نوابغ روزگار به شمار می‌آیند.

خاندان برمکی در راه نشر و توسعه علوم اسلامی از هیچ کوششی فروگذار نماندند و سعی و اهتمام آنان بود که در عرصه تدوین و ترجمه علوم، هارون الرشید را به گردآوری کتب برای ترجمه و تأسیس بیت الحکمه در راستای نگهداری این کتب ترغیب نمود و همچنین مأمون را از همان اوان جوانی به علوم و ترجمه کتب ملل دیگر راغب ساخت؛ به نحوی که وی بعدها برای تسریع و سهولت در کار ترجمه علوم، بیت الحکمه را با افزودن مؤسسه‌ای برای تربیت مترجمان توسعه داد.

فرزندان موسی بن شاکر یعنی محمد، احمد و حسن که از کودکی در بیت الحکمه و در ارتباط با دانشمندان رشد و نمو یافته بودند؛ از همان عنفوان جوانی با محیط علمی بغداد و دانشمندان آن انس و الفت داشتند. آنان نیز با بذل وقت و مال خود، به گردآوری نسخ خطی کتاب‌های علمی و استخدام مترجمانی جهت نقل و ترجمه آن‌ها، به نهضت ترجمه خدمت بسیاری کردند. زیرا با تشویق و حمایت مترجمان از یک سو و با تحقیقات و تألیفات بدیع خود از سوی دیگر، زمینه را برای شکوفایی علوم در قرون سوم و چهارم هجری مهیا ساختند.

در باب اینکه کدام یک از دو خاندان برمکی و بنی موسی، در عرصه ترجمه علوم نقش بیشتری داشته‌اند؛ قضاوت دشوار است. ولیکن این واقعیتی است انکارناپذیر، که در اذهان تاریخی، نام برمکیان بیش از آنکه یادآور حامی و مشوقین ترجمه علوم به زبان عربی باشد؛ تصویری از وزیران ایرانی مدبر و مقتدری را در ذهن خواننده تاریخ ترسیم می‌سازد. وزیرانی که به مدت نیم قرن (۱۸۷-۱۳۵ ق / ۸۰۴-۷۵۲ م) رایزن و مشاورین درجه یک خلفای عباسی بوده و تمشیت امور سیاسی در دستان آنان قرار داشت. بلعکس بنی موسی که گاهی با عنوان بنی منجم نیز از آنان یاد می‌شود؛ در نگاه نخست یادآور خاندانی دانشور و منجم می‌باشند. تنها با مطالعه و بررسی شرح احوال ایشان؛ می‌توان به حضورشان در عرصه سیاسی پی برد. اما آنچه در اینجا حائز اهمیت می‌باشد؛ توجهی است که این دو خاندان به ترجمه علوم مبذول داشته‌اند. چنانچه برمکیان با وجود حضور فعال در عرصه سیاسی، از امور علمی و فرهنگی غافل نمانده و در همه شئون به اسلام خدمت نموده‌اند. بنی موسی نیز با وجود حامی قدرتمند علمی زمانه، یعنی مأمون توانستند؛ به‌عنوان یکی از حاملان علم و حامیان علم و دانش، بر تارک تمدن اسلامی بدرخشند.

### کتاب‌نامه

- ابراهیم حسن، حسن، (۱۳۳۷)، تاریخ سیاسی اسلام، جلد دوم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ دوم، تهران: نشر جاویدان.
- ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، (۱۳۴۹)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، جلد اول، ترجمه سیدجعفر غضبان و محمود نجم آبادی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد، (۱۳۴۷)، وفیات الاعیان و ابناء الزمان، جلد اول، تحقیق احسان عباس، بیروت: طبع دار صادر.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، (۱۳۵۰)، تاریخ فخری، ترجمه وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۶۶)، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، چاپ سوم، تهران: نشر امیرکبیر.
- امین، احمد، (۱۳۵۸)، پرتو اسلام، جلد دوم، ترجمه عباس خلیلی، تهران: نشر اقبال.
- آرنولد، سرتوماس و آلفرد گیوم، (۱۳۲۵)، میراث اسلام، ترجمه مصطفی علم، تهران: نشر کتابخانه ابن سینا.
- اولیری، دلیسی، (۱۳۷۴)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تاراچند، (۱۳۷۴)، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، علی پیرنیا، تهران: نشر پازنگ.
- جهشپوری، محمد بن عبدوس (۱۳۵۷ ه / ۱۹۳۸ م): الوزراء و الکتاب، بتحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الابیاری و عبدالحفیظ شلبی، قاهره مطبعه مصطفی البابی الحلبی و اولاده، الطبعه الاولى.
- خلیلیان، خلیل، (۱۳۵۹)، منابع فرهنگ اسلامی، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی.
- خواند میر، غیاث الدین، (۱۳۳۵)، دست‌الوزراء، بتصحیح سعید نفیسی، تهران: نشر اقبال.
- حتی، فیلیپ (۱۳۶۶)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بی جا، نشر آگاه.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۵)، تاریخ تمدن اسلامی، تهران: نشر اساطیر.

- دورانت، ویل، (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن، کتاب چهارم؛ عصر ایمان، بخش دوم: تمدن اسلامی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر اقبال.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۷)، تاریخ مردم ایران (کشمکش با قدرت ها)، تهران: نشر امیرکبیر.
- زیدان، جرجی، (۱۳۳۶)، تاریخ تمدن اسلامی، جلد سوم، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ سوم، تهران: نشر امیرکبیر.
- سامی، علی، (۱۳۶۵)، نقش ایرانیان در فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر نوید.
- سارتن، جورج، (۱۳۳۶)، مقدمه‌ای بر تاریخ علم، جلد اول، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: نشر تابان.
- سجادی صادق و معصومی همدانی و دیگران، (۱۳۸۳)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازده، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سزگین، فؤاد، (۱۳۷۱)، گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- سیوطی، جلال الدین، حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهره، جلد دوم، (۱۹۹۷ م)، با حاشیه خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی (۱۳۸۱)، مجمع الانساب، جلد اول، بتصحیح میرهاشم محدث، تهران: نشر امیرکبیر.
- شهرزوری، شمس الدین محمد، (۱۳۶۵)، نزهه الارواح و روضه الافراح (تاریخ الحكماء)، ترجمه مقصود علی تبریزی، بکوشش محمدتقی دانش پژوه و محمد سرورمولائی، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ضیف، شوقی، العصر الاول العباسی (التاریخ الادب العربی)، (۱۹۶۶ م)، مصر، دارالمعارف، الطبعة الثانية.
- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵)، تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ ششم، تهران: نشر اساطیر.
- فرای، ریچارد، (۱۳۸۰)، تاریخ ایران (پژوهش دانشگاه کمبریج)، جلد چهارم، گردآورنده ر. ن. فرای، ترجمه حسن انوشه، چاپ چهارم، تهران: نشر امیرکبیر.
- فخری، ماجد، (۱۳۷۲)، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه اسماعیل سعادت و دیگران، تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
- فروخ، عمر، (۱۹۸۴)، تاریخ العلوم عند العرب، بیروت: نشر دارالعلم للملایین، الطبعة الرابعة.
- قفطی، جمال الدین، (۱۳۷۱)، تاریخ الحكماء، ترجمه بهمن دارائی، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- کرامتی، یونس و دیگران، (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و هنر، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گوتاس، دیمیتتری، (۱۳۸۱)، تفکر یونانی، فرهنگ عربی، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- لمبتون و دیگران، (۱۳۸۵)، تاریخ اسلام (پژوهش دانشگاه کمبریج)، جلد پنجم، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر امیرکبیر.
- میه لی، آلدو، (۱۳۷۱)، علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و اسدالله علوی، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نلینو، گِرو آلفونسو، (۱۳۴۹)، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر بهمن.
- همایی، جلال الدین، (۱۳۶۳)، تاریخ علوم اسلامی، تهران: نشر هما.
- هونکه، زیگرید، (۱۳۶۲)، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، بی جا، نشر فرهنگ اسلامی.

